

«ثروت اندوزی ازدیدگاه قرآن»

مرضیه دروازه بان^۱

چکیده

زندگی انسان دارای دو جنبه مادی و معنوی است. از جمله امتیازات جهان بینی الهی، توجه به همه جنبه های زندگی بشر است. گاه به نظر می رسد امروزه نیاز های معنوی اسلام با نیازهای مادی انسان، در تضاد باشد. وجود آموزه هایی مانند انفاق، قناعت و... در اسلام، چنین می نماید که این دین با «ثروتمندی» مخالف نیست. از این رو پرداختن به موضوع «ثروت اندوزی ازدیدگاه قرآن» با هدف اصلاح این نگرش و روشن شدن رابطه آن با دیگر آموزه های دینی، ضروری است. پژوهش حاضر، به تبیین نقش ثروت در زندگی معنوی و مادی انسان می پردازد. پس از گزارش و تحلیل آیات و یافته ها بیانگر آن است که چگونگی تعامل انسان با اموالش در پسندیده با ناپسند بودن ثروت تاثیر دارد. این نوشتار، پس از تبیین جایگاه ثروت به بررسی آسیب های ثروت اندوزی خواهد پرداخت.

کلیدواژه ها: ثروت، ثروت اندوزی، مال، قرآن، انفاق

^۱ طلبه سطح دو حوزه علمیه فاطمیه دامغان

مقدمه

انسان در میان موجودات هستی از ویژگی های انحصاری برخوردار است. خصوصیتی که وی را در دو سوی متضاد قرار می دهد. گاه در اوج کمال و گاه در پستی خصال دست و پا می زند. تا زمانی که شاکله شخصیتی و وجودی انسان نقش بگیرد و شکل واقعی خود را بیابد آن چه وی را هدایت می کند غرایز و فطرت اوست که به دو شکل الهام فجور و تقوا از آن یاد می شود. مال و ثروت به خودی خود نه خوب است و نه بد. بلکه اگر نردبان صعود انسان به کمال گردد خوب و اگر موجب دل بستگی آدمی گردد و سد راه شود ناپسند خواهد بود. مطلق ثروت در اسلام مذمت نشده و مطلق فقر نیز مدح نشده است ولی آنچه که در ذهن مردم از ثروت، تجمل و مال اندوزی است که البته مذموم است. اسلام توصیه به تولید و افزایش ثروت دارد از طرفی توصیه به میانه روی به مصرف می کند، هنر مسلمان زیستن آن است که مال زیادکنی و جامعه را با انفاق بهره مند نمایی ولی به تجملات، ولنگاری در خرج کردن روی نیاوری و سرمست ثروت نشوی.

پیشینه مطالعه در باب شناخت مقابله با ثروت اندوزی در سالهای اخیر^۱. مقاله مقابله با فقر و ثروت اندوزی، مهمترین راهکار اصلاح الگوی مصرف، نویسندگان: مهدی آقاپور، آرمین رجب زاده، ستاره رضایی. ۲. مقاله «مهارت بر فقر مالی در قرآن»؛ عبدالعلی پاکزاد. فصلنامه پژوهش های قرآنی، دوره ۱۵، شماره ۵۷، خرداد ۱۳۸۸، صص ۱۷۶-۱۹۹.

سوال اصلی پژوهش حاضر، ثروت اندوزی از دیدگاه قرآن چیست؟ سوالات فرعی ۱. موضع اسلام در برابر مسئله ثروت چیست؟ ۲. آثار زیان بار ثروت اندوزی چیست؟ ۳. راهکارهای تعدیل ثروت در محیط اسلامی چیست؟

۱. مفهوم شناسی

۱.۱ مفهوم ثروت در لغت و اصطلاح

واژه ثروت در فارسی به معنای دارایی زیاد و مال فراوان است. در عربی از ریشه «ثرو» گرفته شده و در معنای آن گفته شده: «الثَّرْوَةُ: كَثْرَةُ الْعَدَدِ»؛ ثروت به معنای تعداد و عدد زیاد است. همچنین: «الثَّرْوَةُ: كَثْرَةُ الْعَدَدِ مِنَ النَّاسِ وَالْمَالِ»؛ ثروت به معنای تعداد زیادی از مردم و مال است. و نیز به معنای: «الثَّرْوَةُ: الْعَدَدُ الْكَثِيرُ»؛ ثروت، به معنای عدد زیاد است. (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۲۳۲). و (جوهری، ۱۳۶۹، ج ۶ ص ۲۲۹۲) و (ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۱۴، ص ۱۱۰) و (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۹، ص ۲۴۵) در اصطلاح واژه «ثروت» در نهج البلاغه در معنای «مال فروان» استفاده شده است. مانند: «وَبُلَّغْتُهَا أَزْكَى مِنْ ثَرَوَتِهَا» (رضی، ۱۳۹۲، حکمت ۳۶۷، ص ۵۱۲). «و به قدر ضرورت از دنیا برداشتن بهتر از اندوختن مال فراوان است.»

در علم اقتصاد مجموع دارایی‌های واقعی و مالی را «ثروت» می‌گویند. ثروت به کلیه مواد و اشیایی اطلاق می‌شود که حاجت‌های بشر را رفع می‌نمایند. این ثروت‌ها یا طبیعی هستند و مستقیم یا غیر مستقیم مورد استفاده واقع می‌شوند و یا تولید می‌گردند؛ یعنی به دست بشر، تغییر شکل یافته، مورد استفاده قرار می‌گیرند. در اقتصاد، مفهوم دیگری به نام «دارایی» وجود دارد. دارایی به دو دسته «واقعی» و «غیر واقعی» تقسیم می‌شود. (دور نبوش و استانلی فیشر، ۱۳۸۵، ص ۲۰۹) دارایی‌های واقعی، عبارت‌اند از: ماشین آلات، زمین‌ها و ساختمان‌های تحت مالکیت شرکت‌ها و همچنین شامل کالاهای مصرفی با دوام، مانند: ماشین لباسشویی، دستگاه‌های صوتی - تصویری و خانه‌های مسکونی که در مالکیت خانوارها قرار دارند. این دارایی‌ها دارای بازدهی‌اند و با یکدیگر تفاوت دارند. خانه‌های شخصی افراد در واقع، نوعی بازدهی برای صاحبان آنها هستند و در آنها زندگی می‌کنند و هیچ گونه اجاره‌ای نمی‌پردازند. همین طور، صاحبان دستگاه‌های صوتی - تصویری بدون

پرداخت اجاره از آنها بهره می‌برند. دارایی‌هایی از این دست را دارایی واقعی می‌نامند. در بعضی از کشورهای صنعتی، ارزش دارایی واقعی هر فرد، حدود سی هزار دلار است.

نوع دیگر دارایی «دارایی مالی» است که شامل پول، سهام، اوراق قرضه، (در جمهوری اسلامی ایران، اوراق قرضه، اشکال شرعی دارد. لذا به جای آن، اوراق مشارکت وجود دارد.) و یا اوراق مشارکت می‌شود. مجموع دارایی‌های واقعی و مالی را «ثروت» می‌گویند. جمع کردن مال و ثروت و هر روز بر آن افزودن، مورد قبول هیچ کدام از دو نظریه اقتصاد اسلامی و اقتصاد غربی نیست؛ بلکه باید از راه صحیح، درآمد کسب نمود، به اندازه کفاف، مصرف کرد، و مازاد آن را بعد از ادای حقوق آن، در مسیر سرمایه‌گذاری و یا کمک کردن به نیازمندان خرج نمود که البته راه اول در بسیاری از موارد و شرایط، صحیح تر به نظر می‌رسد؛ چون هم تولید را افزایش می‌دهد، هم بیکاری را کم می‌کند و هم انگیزه تولید کالاهای دیگر را فزونی می‌بخشد. (محمدری شهری، ۱۳۸۷، ص ۴۱۲) و (عظیمی، ۱۳۹۴، ص ۲۱۵)

جمع کردن مال، پنج ویژگی دارد و جمع نکردن آن هم پنج ویژگی دیگر. اما ویژگی‌های جمع مال و ثروت: ۱. به سختی جمع می‌شود؛ ۲. اصلاح مال و ثروت و به آن مشغول بودن، انسان را از یاد خدا باز می‌دارد؛ ۳. مورد دستبرد و سرقت واقع می‌شود؛ ۴. ممکن است صاحب آن را بخیل بخوانند؛ ۵. دلبستگی به آن، موجب دل‌کندن از صالحان و نیکان می‌شود. اما ویژگی‌های دل‌ن بستن به مال و ثروت: ۱. راحتی انسان؛ ۲. فراغت داشتن برای ذکر خدا؛ ۳. ایمن بودن از سارق و سرقت؛ ۴. برگزیدن اسم «کریم» برای خود؛ ۵. همنشینی با صالحان و خوبان. (منصوری ۱۳۸۸ ص ۱۴) (نیشابوری، ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۲۲۷۳).

۲،۱ مفهوم مال در لغت و اصطلاح

مال در لغت به معنای تمامی اشیایی است که انسان مالک می‌شود. «الْمَالُ: مَا مَلَكَتْهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ» (ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۶۳۵) و (ابن سیده، ۱۴۲۲، ج ۱۰، ص ۴۴۰) واژه مال از «مول» عربی به معنای دارایی و ثروت است که می‌تواند چارپایانی چون گاو، گوسفند، شتر، بز و

مانند آنها باشد. مالون یعنی دارنده مال و ثروت بسیار و تمویل به معنای سرمایه‌گذاری است. البته مال از ریشه «میل» به معنای گرایش و بازگشت به چیزی به سبب دوست داشتن است؛ شاید از این نظر در اشتقاق به مال از ریشه «مول» نزدیک باشد؛ زیرا انسان به اموال گرایش و میل دارد و به سبب دوستی بسیار به سوی آن کشیده شده و باز می‌گردد تا این گونه نیازهای خویش را برآورده سازد.

مال در اصطلاح اقتصادی و حقوقی به هر چیزی گفته می‌شود که قابل تملک و مبادله باشد. در فعالیت‌های اقتصادی، مال عبارت است از چیزی که بالفعل یا بالقوه دارای ارزش مصرفی و مبادلاتی باشد. برخی نیز آن را هر چیزی دانسته‌اند که با پول و وجه رایج کشور قابل ارزیابی باشد و ارزش اقتصادی داشته باشد. (منصوری، ۱۳۸۸، ص ۱۵)

در حقوق اسلامی، مال هر چیزی است که منفعت عقلایی و حلالی داشته و قابل تملک باشد؛ پس چیزی که دارای منفعت حلالی نیست، مال محسوب نمی‌شود، هرچند که ممکن است مانند شراب و گوشت خوک برخی از آن منافع ببرند که در اسلام حرام است. (انصاری، ۱۳۸۳، ص ۱۶۱). و (نائینی و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۲۴۰) آموزه‌های قرآنی تاکید دارد که انسان در فعالیت‌های اقتصادی اصل را بر صداقت و درستکاری گذاشته و کمتر به گردآوری اموال به هر شکلی بیندیشد؛ زیرا درستکاری اقتصادی، دارای ارزشی بهتر از داشتن مال و دارایی و تکاثر آن به هر شکل و شیوه‌ای است. (اسراء، آیه ۳۵)

۲. اهمیت مال و ثروت از نگاه قرآن

انسان در میان موجودات هستی از ویژگی‌های انحصاری برخوردار است. خصوصیتی که وی را در دو سوی متضاد قرار می‌دهد. گاه در اوج کمال و گاه در پستی خصال دست و پا می‌زند. نوسانات و تذبذبی که هر دمی انسان با آن روبه‌رو است و گاه به الهام فجور و گاه دیگر به الهام تقوا، وی را در نهایت به جایی می‌کشاند که از آن به ثبات شخصیتی یاد می‌کنند. تا زمانی که شاکله شخصیتی و وجودی انسان نقش بگیرد و شکل واقعی خود را بیابد آن چه وی را هدایت می‌کند غرایز و فطرت اوست که به دو شکل الهام فجور و تقوا از آن یاد می‌شود. اموری که در قرآن

می‌شود و سپس برای تشویق بیشتر می‌افزاید: آنهایی که از شما ایمان می‌آورند و اتفاق کنند اجر بزرگی دارند. توصیف اجر به بزرگی، اشاره‌ای به عظمت الطاف و مواهب الهی و ابدیت و خلوص و دوام آن است. نه تنها در آخرت که در دنیا نیز قسمتی از این اجر کبیر عاید آنها می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۲۳ ص ۳۱۴)

«آمَنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَانْفِقُوا...» (حدید: ۷) خطاب به مؤمنین و امر به آثار ایمان است. از سیاق آیات برمی‌آید که خطاب در این آیه به کسانی است که خدا و رسول ایمان آورده اند، و شامل کفار نمی‌شود، تا چه رسد به این که خطاب متوجه کفار باشد. و این که بعضی گفته اند: شامل هر دو طایفه می‌شود درست نیست. خواهی گفت: آخر در این آیه امر به ایمان کرده، و معنا ندارد مؤمنین را امر به ایمان کند. در پاسخ می‌گوییم: معنای امر مؤمنین به ایمان این است که آثار ایمانی را که دارند بر ایمان خود مترتب کنند، می‌خواهد بفرماید: ایمان وقتی متحقق می‌شود که آثار آن را بر آن مترتب کنند، چون اگر ایمان و یا صفتی دیگر از صفات نفس چون سخاوت و عفت و شجاعت در نفس آدمی ثابت باشد، و حقیقتاً ثابت باشد، اثرش ظاهر می‌شود، و اگر از یکی از این صفات مذکور اثر خاص به آن ظاهر نشود، معلوم می‌شود صفت مذکور آن طور که باید در نفس جای خود را نگرفته و ثابت نشده، و یکی از آثار ایمان به خدا و رسول او اطاعت از دستوراتی است که خدا و رسول داده اند. و از همینجا است که روشن می‌گردد: اولاً امر کردن خدای تعالی مؤمنین را به ایمان در حقیقت امر کردن به افرادی است که مرتبه ای از ایمان را دارند، به این که مرتبه ای بالاتر از آن را دارا شوند، و این نوع امر کردن اشاره به است که آن مقدار ایمانی که مأمور دارد برای امر قانع کننده و رضایت آور نیست، مأمور باید مرتبه بالاتری را کسب کند، و ثانیاً این که جمله (آمَنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَانْفِقُوا) امر به اتفاق است، با اشاره به این که اتفاق اثر صفتی است که ایشان متصف به آنند، پس باید به خاطر همان صفت باز اتفاق کنند، در نتیجه باید گفت: برگشت جمله مورد بحث به این است که می‌خواهد اتفاق مؤمنین را با ایمان آنان تعلیل کند. وجه و نکته اینکه فرمود از آنچه که خدا شما را در آن جانشین کرده اتفاق کنید (و انفقوا مما جعلکم مستخلفین فیہ) - (استخلاف انسان) به

معنای خلیفه کردن او است، و مراد از خلیفه کردن انسان یا این است که خدای سبحان انسان را در زمین جانشین خود کند، همچنان آیه شریفه (انی جاعل فی الارض خلیفه) به آن اشاره می کند. حال باید دید بنابر این فرض به چه ملاحظه از اموالی که در دست مؤمنین است تعبیر کرده به چیزی که خدا ایشان را در آن خلیفه خود کرده؟ جواب این سوال این است که: این تعبیر هم واقعیتی را بیان می کند، چون واقعا آدمی در آنچه دارد خلیفه خداست، (چون هم خودش و همه اموالش ملک خدا است)، و هم ایشان را در انفاق کردن تشویق می نماید، چون وقتی مؤمنین متوجه و متذکر شوند که مال ایشان ملک خدا است، و ایشان در آن اموال خلیفه خدا و وکلای از ناحیه اویند، هر تصرفی بکنند به اذن او می کنند قهرا انفاق کردن بر آنان آسان می شود، و در این عمل خیر، احساس سنگینی نمی کنند. و یا مراد از خلیفه کردن انسان این است که: خدا ایشان را جان شین پیشینیان خود در آن اموال کرده، قبلا این اموال در دست دیگران بود، بعد از در گذشت آنان به ایشان منتقل گردید، و در چنین فرضی اگر از اموال اینطور تعبیر کرده، برای این بوده که باز به بیانی دیگر تشویقشان به انفاق کرده باشد، چون وقتی بیاد آورند که این اموال قبلا در دست دیگران بوده، و آنان وفا نکرده، متوجه می شوند که به ایشان نیز وفا نخواهد کرد، وزودی آن را برای دیگران خواهند گذاشت، و با دست تهی خواهند رفت، پس چه بهتر که تا اختیار آن را در دست دارند برگ عیشی بگور خود بفرستند، و معلوم است که انسان با داشتن طرز تفکری این چنین در مسأله انفاق دست و دل بازتر می شود، و آسان تر دل از مال دنیا بر می کند، و در راه خدایش خرج می کند. (فالذین امنوا منکم و انفقوا لهم اجر کبیر) - در این جمله وعده اجری بزرگ در برابر انفاق می دهد، تا مؤمنین را به بیانی دیگر تشویق به نموده، تشویق های قبلی را تأکید کند. و مراد از ایمان در اینجا ایمان به خدا و رسول است. (طباطبایی، ۱۳۷۶ ج ۱۹ ص ۲۴۹)

نتیجه

اسلام در برابر مال و ثروت موضع منفی ندارد و با آن مخالف نیست. تکاثرو جمع آوری بی حساب اموال یکی از رذائل اخلاقی و موجب سقوط در دام مادی گرایی است، قرآن کریم مؤمنان را از آلوده شدن به این خصیصه نامطلوب منع نموده و برای کسانی که باین کار به خود و دیگران ستم می کنند مجازات تعیین کرده است، براساس دیدگاه قرآن مال خوب است اما به شرطی که ۱_ وسیله باشد نه هدف ۲_ اینکه از طریق مشروع به دست آید و در راه رضای خدامصرف شود ۳_ اینکه انسان را اسیر خود نسازد بلکه انسان امیر بر آن باشد، علاقه به چنین مالی نه تنها دنیا پرستی نیست بلکه دلیلی بر علاقه به آخرت هست. اسلام در برابر مال و ثروت موضع منفی ندارد و با آن مخالف نیست، اسلام ثروتی را می پسندد که در آن نیکی به همگان باشد، اسلام ثروتی را خواهان است که مایه فساد در زمین و فراموش کردن ارزش های انسانی و گرفتار شدن در مسابقه جنون آمیز تکثر گرایی و انسان رابه خود برتر بینی و تحقیر دیگران و رویارویی با پیامبر خدا نکشاند. یکی از عوامل اصلی تفاخر، تکثرو فخر فروشی، همان جهل و نادانی نسبت به پاداش و کیفر الهی و عدم ایمان به معاد است به همین دلیل قرآن برای درهم شکستن این تفاخر قدرت و تکثر سرگذشت اقوام پیشین را بازگو میکند که چگونه اقوامی با داشتن امکانات قدرت، با وسائل ساده ای نابود شدند با ورزش بادهای، جرقه آسمانی، صاعقه یا یک زمین لرزه یا نزول باران بیش از حد، سجیل و پرندگان کوچک و... نابود شدند و از میان رفتند. نجات فقرا، از فقر مهم است، خواه از طریق انفاق باشد یا «فی» یا از طریق قرض و ... قرض و انفاق، در ظاهر کم شدن و کندن مال است، و در واقع رشد است. مصرف «فی» غنایم بدون جنگ بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در اختیار جانشینان بر حق او یعنی اهل بیت علیهم السلام است و در زمان غیبت، در اختیار فقهای عادل بی هوی و هوس. انفاق و ایمان دوسرمایه بزرگ نجات و خوشبختی مؤمنان است.

فهرست منابع

* قرآن الکریم

* نهج البلاغه

- ۱- ابن سیده، علی بن اسماعیل، «المحکم و المحيط الأعظم»، بیروت: دارالفکر، چ ۱، ۱۴۲۲ق.
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، «لسان العرب»، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چ ۳، ۱۴۱۶ ق.
- ۳- انصاری، مرتضی، «المکاسب»، قم: مجمع الفکر الاسلامیه، ۱۳۸۳.
- ۴- بکری عبدالله، معجم ما استعجم، ج ۳، بیروت: عالم الکتاب ۱۴۰۳.
- ۵- تهرانی مجتبی، حرص و طمع، تهران: مصابیح الهدی،
- ۶- جوادی آملی، عبدالله، «تسنیم»: تفسیر قرآن کریم، قم: اسراء، ۱۳۹۱.
- ۷- جوهری، اسماعیل بن حمار، «صحاح اللغة»، تهران: امیری، ۱۳۶۹
- ۸- رضی، ابوالحسن محمد، ترجمه و شرح: دشتی، محمد، قم: نشتا، چ ۱۶، ۱۳۹۲ق.
- ۹- زحیلی، وهبه، «الفقه الاسلامی و ادلته»، دمشق: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
- ۱۰- زبیدی، محمد مرتضی، «تاج العروس»، بیروت: دارالکتب العربی، چ ۱، ۱۴۱۴ق.
- ۱۱- طباطبایی، محمدحسین، «المیزان»، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶.
- ۱۲- طبرسی، فضل بن حسن، «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۸۴.
- ۱۳- عظیمی حسین، مدارهای توسعه نیافتگی، تهران: نشر نی، ۱۳۹۴.
- ۱۴- قرائتی، محسن، «تفسیر نور»، تهران: موسسه فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۹۱.
- ۱۵- قمی، محمد، «تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب»، تهران: وزارت ارشاد، ۱۳۶۸.
- ۱۶- قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر قرطبی، ج ۲، بیروت: دار ابن کثیر ۱۴۲۷.

- ۱۷- فراهیدی، خلیل بن احمد، «کتاب العین»، قم: هجرت، ۱۴۰۹ق.
- ۱۸- مراغی، احمد، «تفسیر المراغی»، بیروت: داراحیاء، ۱۴۱۲ق.
- ۱۹- مکارم، ناصر، «تفسیر نمونه»، قم: دارالکتب الاسلامیه، چ ۱۱، ۱۳۷۲.
- ۲۰- محمدی ری شهری، محمد، التنبیه الاقتصادیه، تهران: دارالحديث ۱۳۸۷.
- ۲۱- منصوری خلیل، ثروت اندوزی در قرآن، پرتال علوم قرآن ۱۳۸۸.
- ۲۲- نیشابوری، مسلم بن حجاج، «صحیح مسلم»، بیروت: دارالجیل، بی تا.
- ۲۳- نائینی و دیگران، رسایل فقهیه، قم: معارف ۱۳۹۲.
- ۲۴- هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، قم: دفتر تبلیغات ۱۳۸۶.